

# جوانان کمونیست ۷۸

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲ اسفند ۱۳۸۱

۲۱ فوریه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## آذر ماجدی روز والتائین و جمهوری اسلامی

میگویند ایران کشوری اسلامی است. ادعا میشود که مبارزه با مذهب، با فرهنگ مردم و به ذاتی آنها خوش نیاید. اعلام میکنند که باید تربیجی و آهسته در نظام اصلاحات کرد، مردم تغییرات رادیکال را هضم نمیکند. اینها را در مورد جامعه ای میگویند که حکومتش مدام دارد از هجوم مدرنیسم و فرهنگ ضد اسلامی داد و فغان میکند. اینها را در مورد جامعه ای میگویند که حکومت اسلامی جشن گرفتن والتائین را ممنوع اعلام میکند. اینها همه یک مشت ادعای پوچ است، تلاشی برای کند کردن روند تحولات و جارو کردن مذهب و فرهنگ عقب مانده و سنتی است. این را هر روز مردم، زنان آزادیخواه و جوانان در سربیشان از قوانین ارتجاعی، در نه گفتشان به اوامر مذهبی، در سنت گذاری های جدیدشان نشان میدهند.

جشن گرفتن روز والتائین در ایران یکی از این بدعت هاست. در یک کشور اسلام زده، زیر اختناق یک رژیم مذهبی قرون وسطایی، جایی که به زور سر زنان و دختر بچه های ۹ ساله حجاب میکنند و میان زن و مرد دیوار میکشند، جایی که رژیم کوشیده است نماز جمعه را بجای پیک نیک آخر هفته و روضه خوانی را بعنوان تفریحگاه مردم جا بزند، روز والتائین را، روزی که در غرب بعنوان روز عشق و "رومانس" شناخته شده است، جشن میگیرند و عشاق بهم کادو میدهند. این یک دهن کچی بزرگ نه تنها به جمهوری اسلامی، بلکه به تمام ناسیونالیست های سنت پرست و شرق زده است.  
کار جمهوری اسلامی تمام است. رژیمی که از یک جشن و تفریح ساده به لرزه میافتد، کارش به آخر رسیده است. جامعه ای که حتی جشن عشاق در آن به یک واقعه مهم سیاسی و به نبردی میان حکومت و مردم بدل میشود آستن تحولات مهمی است. در اثر این تحولات مذهب بهرام سنن عقب مانده جارو خواهد شد.

## ۸ مارس: علیه حجاب اجباری علیه آپارتاید جنسی به خیابانها بیایید!



### حجاب ها را بردارید!

زنده باد روز جهانی زن!  
زنده باد حقوق جهانشمول زنان!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ بهمن ۱۳۸۱، ۱۶ فوریه ۲۰۰۳

حجاب اسلامی پوشش نیست، پرچم ایدئولوژیک و ضد زن آپارتاید اسلامی است. حجاب سند مالکیت بر زن، سند فرودستی زن، سند حقارت زن در نظام ضد زن باندهای اسلامی در ایران و منطقه است. حجاب یونیفورم رژیم آپارتاید جنسی است. حجاب اجباری نتیجه جنگ و کشمکش خونین رژیم اسلامی با زنان آزادیخواه ایران است. حجاب پرچم پیروزی ارتجاع اسلامی بر جنبش آزادی و برابری در انقلاب ۵۷ است. حجاب و حکومت اسلامی ماهیتا ضد زن است. این پرچم و این حکومت را بزیر میکشیم. رژیم اسلامی در تمام طول حیاتش در حال کشمکش بدون وقفه با زنان بوده است و در این جدال ارتجاع و آزادی، حاکم جارو خواهد شد.

### و البته آن جمله معروف!

### گفتگو با بهار امیلوار

۲۰ سال دارم و دانشجو هستم. کجای شهر زندگی می کنید؟ بالا، ۲۰ ساله در ایران چطور است؟ یک تصویر بدهید! صفحه ۲



سازمان جوانان کمونیست، در کنار دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در تظاهراتهای ۱۵ فوریه شرکت کرد. عکس فوق رقصا ما در استکلهم را نشان میدهد.

### ۱۵ فوریه: ما قادریم!

"وقتی اینهمه آدم می بینی، احساس خاصی میکنی. انگار ما واقعا قادریم دنیا را عوض کنیم"، والریو کونتی، ۴۰ ساله، تظاهر کننده علیه جنگ در روز ۱۵ فوریه، رم، به نقل از نیورک تایمز اطلاعیه حزب کمونیست کارگری این تظاهرات تاریخی را اینگونه توصیف کرد: "مردم انساندوست، عدالتخواه و صلح طلب، از هزاران شهر در ۶۰۰ پایتخت و شهر بزرگ در چهارگوشه دنیا اجتماع کردند و اعلام کردند که کشتار و محاصره اقتصادی مردم عراق را محکوم میکنند، به بوش و بلر، این سمبل های جنگ طلبی نه گفتند و اعلام کردند که

انساندوستی، آزادیخواهی و عدالت طلبی زنده است. وسعت این اعتراض نه فقط از جنگ ویتنام به این سو سابقه نداشته است بلکه در تاریخ اکثر کشورها و پایتختهای جهان بیسابقه توصیف شده است. این اعتراضات جلوه برجسته ای از جهان متمن بود که با احساس خطر جنی از قلدری و جینگوئیسم افسارگسیخته آمریکا به میدان آمد تا به این خطر افسار بزند...  
"بعلاز ۱۱ سپتامبر منصور حکمت در یکی از مقالات خود نوشت که "صحنه تاریخ معاصر محلول به دو قطب ترویسیم بین المللی نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند قوی تر ساخت."

### ۸ مارس در پارک لاله

"سازمان آزادی زن" طی پیامی به زنان و مردان آزادیخواهی که در مراسم گرامیباشت ۸ مارس در پارک لاله گرد هم میایند، اعلام کرد: ۲۴ سال پیش زنان آزادیخواه پس از سقوط دیکتاتوری سلطنتی، مراسم ۸ مارس را با شکوه بسیار برگزار کردند. در این روز با شعار "نه روسری، نه توسی" به خیابانها آمدند و علیه حجاب اجباری فریاد اعتراض خود را بلند کردند. این روز بعنوان یک روز مهم در تاریخ جنبش آزادیخواهی زنان به ثبت رسیده است. از آنروز تاکنون جنبش آزادیخواهی زنان افت و خیزهای بسیاری را پشت سر گذاشته است و امروز وسیعتر و پخته تر میکوشد که بشکلی علنی خواستههای خود را در سطح جامعه مطرح کند. گرامیباشت آزادانه و علنی ۸ مارس یکی از خواستههای اساسی و سمبلیک این جنبش است. دستیابی به این خواست دستاوردی مهم است."

نامه هلی شما: بهرام مدرسی  
پاسخ به آرش صفحه ۲

منصور حکمت: صفحه ۲  
اوضاع سیاسی ایران

"چرا انقلاب نمی شود؟"

مصطفی صابر

نامه هایی که اخیرا از ایران دریافت میکنیم، فضای نفرت بیکران، بی صبری و طغیان را منعکس میکند: "پس این رژیم کی میروود؟"، "بگوئید چطور میشود این رژیم را انداخت؟" و یا "با وجود صفحه ۳"



نادر بکتاش

کلیک: ماهم ختنه می شویم!  
صفحه ۴

# آزادی، برابری حکومت کارگری!

## نامه های شما

برایمان نظرات و پیشنهادتان را بنویسید. هیچ نامی بی‌جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من می‌توانید از آدرسهای پستی و شماره تلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل [bahram-modarresi@web.de](mailto:bahram-modarresi@web.de) استفاده کنید.

### بهرام مدرسی

دوست عزیز سینا الهی از نیوزلند، ممنون از شرکتتان از طرف سازمان جوانان کمونیست در اعتراضات علیه جنگ. مستقل از اینکه هر جوانی در کدام گوشه جهان زندگی میکند، عضویت در سازمان جوانان کمونیست و همکاری با آن به معنی این است که ما دست در دست همه آن جوانانی که زندگی آزاد و برابر می‌خواهند گذاشتیم. دوستان در واحدهای سازمان جوانان در تمام جهان از آلمان تا انگلیس و دانمارک و سوئد و ترکیه، در تهران و تبریز و رشت و قزوین و کرمانشاه، پیوسته با ما به سازمان جوانان کمونیست تریک می‌گیرند. برای تشکیل واحد سازمان جوانان کمونیست در آنجا رفیق مریم طاهری با شما تماس خواهد گرفت. باز هم برایمان بنویس.

دوست عزیز کمیا خوشبیم از ترکیه، ممنون از محبت نسبت به سازمان جوانان کمونیست. مشکلات شخصی که باعث کم شدن ارتباطات میشوند برای من کاملا قابل فهم هستند. ما فعالیت سیاسی را جدا از زندگی روزمره انسانها نمی‌بینیم. ما بر خلاف سایر جریاناتی که شروع کار سیاسی را پایان زندگی "عادی" فعالین خود می‌بینند، براین باوریم که اگر این فعالیتها قرار است انسانها را برای آزادی خود متحد کنند، اگر قرار است که فعالیت مشترک ما توده هرچه وسیعتری را متحد کند در این صورت ما با تمام عواطف، مشکلات، نگرانی‌ها و امیدهای خود دست در دست یکدیگر می‌گذاریم. کار مشترک ما برای حل مشکلاتمان در ابعادی اجتماعی است. باز هم برایمان بنویس.

دوست عزیز حامد راد از تهران، در رابطه با سوال شما در مورد مقاله "فج شد" در شماره پیش توضیح دادیم. اگر سوال دیگری است، لطفاً من را در جریان بگذار. مشتاقانه در انتظار مقالات هستم. باز هم برایمان بنویس.

دوست عزیزم آرش اسدی از تهران می‌نویسد:

"بهرام جان سلام، با جنگی که آمریکا در عراق می‌خواهد راه بیاندازد، اوضاع ایران خیلی بدتر خواهد شد. حکومت وضع فوق‌العاده اعلام خواهد کرد و موج اعدامها و بگیر و ببندها را راه خواهند انداخت. امینولوار که هرچه زودتر این رژیم گورش را کم کند.

بهرام جان، اینجا آقدر فقر و بدبختی هست که آرزو می‌کنم روزی هم آمریکا به ایران حمله کند و با اینکه میدانم تلفات زیادی به مردم وارد خواهد شد، ولی از این بدبختی و نکبت و از این زنان بزرگی که برایمان ساختن راحت می‌شویم. تا کی باید ستم جهالت و مذهب را بکشیم؟ تا کی باید این همه نکبت را تحمل کنیم؟ بهرام، راستش را بخواهی مدتی است



که بیخیال زندگی شدم و سعی می‌کنم از فکر عذابایی که در این جامعه میشم بیرون بیام. زندگی در اینجا واقعا شکنجه‌آور است، واقعا دنبال کار گشتن و پیدا نکردن و هر روز تحقیر شدن شکنجه آور است. امید ورام که گورش را کم کند!

آرش عزیز! بگذار اول از جنگ آمریکا شروع کنم. این جنگ برای آزادی مردم عراق نیست. این جنگ برای تحمیل سرکردگی دولت آمریکا به تمام جهان است. آنها نه قصد آزادی مردم عراق را دارند و نه اساسا مسئله در اینجا صدام حسین است. صدام را آنها صدام کردند. همین الان آلترا تیشوشان برای صدام مرتجعینی مثل "آیت‌الله حکیم" و دیگرانی از همین دست، است. حکیم چه فرقی با خاتمی و خامنه‌ای دارد؟ قرار نیست که مردم عراق از چیزی آزاد شوند، قرار است متحد سابق جایش را در سیستم جهانی که آنها می‌خواهند، با متحد دیگری عوض کند. منفعت مردم عراق در این حاسه هیچ جایی ندارند. درست به همان اندازه که مردم افغانستان جایی در حملشان به آنجا نداشتند. آنجا هم همان مرتجعینی که تا دیروز زنان را سنگسار می‌کردند و ارتجاع اسلامی در آنجا حاکم کرد بودند را بعنوان جایگزین طالبان سر کار آوردند. در اینکه رژیم اسلامی سعی خواهد کرد از این جنگ برای بگیر و ببندهای بیشتری استفاده کند، محق هستی. ولی! این رژیم با سایر جریانات اسلامی در منطقه فرق میکند. اگر مثلا

حساس در لبنان و حزب‌الله در فلسطین می‌توانند با استفاده از این حمله باد در بادبان اسلام سیاسیشان بکنند، رژیم اسلامی اما، این امکان وسیع را ندارد! به این دلیل ساده که اینها بر خلاف حماس و حزب‌الله در قدرت هستند. حماس و حزب‌الله می‌خواهند که از اسلامی سیاسی استفاده کنند تا سهمی از قدرت سیاسی در منطقه را به دست آورند. جمهوری اسلامی فوالحال در قدرت است و استفاده‌اش از این موقعیت نمیتواند ابعادی را که این برای حماس مثلا دارد، داشته باشد. جمهوری اسلامی همانطور که خود هم به درستی گفتنای در توازن قوای داخلی ایران میتواند سعی کند که از این جنگ به نفع خود استفاده کند. ولی اینجا هم وضع رژیم با حماس فرق میکند. اینها در قدرتند و با جنبش مردمی که می‌خواهد اینها را ور بیندازد رویو هستند! اسلامی سیاسی بعنوان یک دولت برای اولین بار در ایران طرحش ریخته شد و سرکار آورده شد و در همان زادگاه اولش که ایران باشد مورد نفرت مردم، زنان و جوانان است. آنها می‌خواهند که این رژیم را به زیر بکشند و سرنگون کنند. بنابراین دامنه امکان استفاده رژیم از این جنگ بسیار محدودتر از سایر همپالگی‌هایش در منطقه خواهد بود.

درست به همان اندازه که حمله

صفحه ۴

## و البته آن جمله معروف: جمهوری اسلامی باید برود!

از صفحه ۱

بیش از همه چیز شخص شما را آزار داده است؟

بیش از هر چیز آپارتاید (جدا سازی) جنسی. چرا که این مساله من و امثال من را به انزوا کشیده است. وقتی من می‌بینم نمی‌توانم روابط آزاد و دوستانه‌ای انظور که دوست دارم برقرار کنم و همه چیز باید در خفا باشد خودم را از همه کنار می‌کشم. اصلا من روابط دوستانه و برخورد معمول را هم با غیر هم جنس فراموش کرده ام.

رابطه جنسی یک معضل جوانان است، شما آترا چگونه می‌بینید؟ از نظر من این رابطه جنسی نیست که یک معضل است، بلکه فرهنگ غلط و دست کثیف اسلام در همه ابعاد زندگی انسان است که از این مساله معضل آفریده است. از نظر من این یک رابطه طبیعی است. خیلی واضح است وقتی شما یک گل می‌بینید دلتان می‌خواهد احساسات را نسبت به آن نشان دهید. (مثلا لمس اش کنید). حالا فکشر را بکنید شما به یک انسان علاقه داشته باشید و همیشه از چندی متری فقط ببینیدش.

راه حل چیست؟

اول و بطور ریشه‌ای باید دست دین و مذهب را بخصوص اسلام را از همه ابعاد زندگی کوتاه کرد. ضمنا قضیه آپارتاید جنسی را هم باید حل کرد و البته با توجه به فرهنگ غلطی که بین مردم ما ریشه دوانده لازم است آگاهیهای کافی را در این باره در اختیار همه گذاشت. چرا که دین در ذهن ما فرو کرده است که شرم و حیا و نجابت یعنی بی احساس بودن و در واقع روحیات انسانی نداشتن.

یک موضوع دیگر، جوانهای نسل شما از انقلاب ۵۷ چه میدانند؟

میدانند که مردم علیه استبداد به پا خاستند و هرگز به چنین نظامی (که بعد حاکم شد) نمی‌اندیشیدند. میدانند که خواستههای مردم چیز دیگری بود و می‌دانند که بیشترین تلاش را برای خلاصی از رژیم شاهنشاهی، کمونیستها و مجاهدین و کلا چپها کرده اند و صحبتی از حزب الله نبوده که حالا می‌بینیم رسانه‌های رژیم همه زحمات را به پای آنان می‌نویسند.

فکر میکنید مردم و جوانها چقدر برای یک انقلاب دیگر آماده باشند؟

از نظر من خیلی زیاد. ما هر روز در گوشه‌ای از ایران شاهد تحسن و تجمع و اعتصاب هستیم. آن هم از سوی نیروهای چون کارگران و دانشجویان. — مهمترین موانع یک همچو انقلابی از نظر شما چیست؟

نداشتن پیشرو و رهبر برای هدایت و هماهنگی، برای آگاه شدن بیشتر از مسائل پس پرده، همچنین وجود حقیقتان شدید که احزاب اپوزیسیون نمی‌توانند خود را بطور دقیق و وسیعتر بشناسند. و مشکلات اقتصادی حادی که گریبان مردم را گرفته و فرصت تفکر و تاملشان را سلب کرده است.

کدام نیروهای سیاسی الان در بین جوانها مطرح است؟

نیروهای سیاسی خاصی بعنوان یک حزب و تشکل و دارای نام در سطح وسیع

از نظر من این سوال یک مقدار کلی است. زیرا این ۲۴ ساعت برای یک جوان ۲۰ ساله اگر دانشجو یا غیر محصل، شاغل یا بی‌کار، مجرد یا متأهل، دختر یا پسر باشد خیلی متفاوت است. — بله همینطور است. به تفاوت‌ها هم میرسیم. اما شباهتها چطور؟ بگذارید اینطور بگویم: ۲۴ ساعت نمونه وار از زندگی خودتان چطور است؟

شاید تصویر زندگی من یک مقدار تفاوت داشته باشد. (از جنبه دغدغه‌های خاطر خودم). ولی به طور کلی یک وضعیت مشترکی که بین تمام جوانان از دختر و پسر و دانشجو و شاغل و بی‌کار و غیره مشهود است، هنر دادن وقت است که البته تا حد زیادی جو و شرایط حاکم بر جامعه این حالت را ایجاد کرده است. تفریحات سالم و واقعی نیست. جوان را ارضاع نمی‌کند. آقدر مسائل ریز و درشت برای یک جوان مطرح است و آقدر علامت سوال در ذهن دارد که یا به طور ناخود آگاه از همه مسائل می‌گریزد و پناه به تفریحات کاذب می‌آورد و یا دائم با خودش در کلنجار است و به انزوا کشیده میشود که هر دو ناهنجار است.

برای جوان دانشجو تحصیل به شکل واقعی انجام نمی‌گیرد. چرا که آینده مبهمی پیش رو دارد و در ضمن آراش فکری هم ندارد.

جوان بی‌کار هم طبعاً آینده روشنی را جلوی خود نمی‌بیند و حتی یک زندگی معمول و متوسط در دروهایش فقط میتواند بیاید. در کل یک جوان را که نسبتا از شرایط راضی باشد انگشت شمار میتوان یافت.

برای جوانان خانواده‌های مرفه، متوسط و کارگر، این تصویری که شما دادید چقدر فرق میکند؟

من فکر میکنم از نظر تفریحات تفاوت زیاد است. به هر حال جوانان در خانواده مرفه با مشکلات اقتصادی برای تفریح مواجه نیستند. سفر میکنند، مهمانی‌های آنچنانی می‌دهند و غیره. این برای من و امثال من از خانواده‌های متوسط و پایین تر خیلی فرق میکند. ما خیلی از تفریحات را فاکتور می‌گیریم. برای یک جوان شاغل که مجبور است ساعات زیادی را کار کند شاید اصلا فرصت تفریح پیش نیاید. و این مسائل تاثیر زیادی روی روند زندگی روزانه جوان می‌گذارد. تازه از فشار روحی و دخالت همه جانبه پاسدار و اعتیاد و هزار معضل اجتماعی دیگر بگذریم.

برای دختر و پسر تفاوت تا کجاست؟

فکر میکنم با وجود این که استبداد و فشار روی همه افراد و اقتدار جامعه است اما باز هم بین دختر و پسر تفاوت بسیار است. چرا که همان آزادی محدود به پسران هم برای دختران وجود ندارد. مثل تعیین نوع پوشش، وارد شدن به خیلی از ابعاد زندگی اجتماعی. همچنین تفریحات دختران خیلی محدودتر از پسران است. برای مثال دختران حتی برای بلند خنیدن و دویدن و پریدن و نظیر اینهم باید شرم کنند.

بعنوان یک دختر جوان چه چیزی

مطرح نیست. بیشتر مردم خواسته‌ها آمالشان را بیان میکنند و آنها را از نظام بعنی خواستارند.

کدام نیروهایی میتوانند پاسخ خواسته‌های آنها را بدهد؟

از نظر من مسلمانا شما و اهداف متدج در برنامه "یک دنیای بهتر". اما اگر بخواهم خود را در نظر نگیرم در مورد آزادی که مردم بخصوص طیف جوان خواستارند، به اهداف حزب کمونیست کارگری خیلی نزدیک است. منظورم این است که به یک ذره بهتر از اکنون رضایت نمی‌دهند.

همین الان چه بحث‌ها و مسائلی داغ است؟

متأسفانه بیش از همه در بین عموم مردم از پیر و جوان، وضعیت خراب اقتصادی از جمله تورم و بی‌کاری، فساد حکومتی و اداری، رشوه خوری، دزدی آقازاده‌ها و خود آقاها و همچنین فقدان آزادی، خصوصا در بین جوانان و البته آن جمله معروف: این رژیم رفتنی است.

راجع به جنگ آمریکا، مردم و جوانها چه فکر میکنند؟

راستش با وجود مسائل زیادی که مردم را گرفتار کرده است، این مشکل خیلی مطرح نمی‌شود. اما در مواردی که من برخورد داشته‌ام تا حد زیادی این تصور که بعد از عراق ایران مورد هجوم قرار خواهد گرفت و این رژیم سرنگون خواهد شد، مردم را بی تفاوت کرده است، بخصوص آنهایی که تحت تاثیر تبلیغات سلطنت طلبان هستند.

نظر خود شما چیست؟

مسلمانا کاملا مخالفم. به دو دلیل: اول با کشتار دسته جمعی مردم عراق و وخیم شدن اوضاع اقتصادی شان و کلا به این دلیل که این یک حرکت ضد بشری است؛ و دوم، اگر قرار باشد به ایران در برنامه بعلی آمریکا حمله شود و این رژیم به این ترتیب سرنگون شود، نتیجه‌ای جز تعیین یک نظام استبدادی و سرمایه داری دیگر توسط آمریکا نخواهد داشت.

از کی با کمونیسم کارگری آشنا شدید؟

قبلا آشنایی با کمونیسم داشتم، اما با حزب کمونیست کارگری حدود ۶ ماه است.

فکر میکنید چه چیز آن جذاب است؟

اینکه محور و اساس همه اهداف و سیاست شما انسان است و بدون اغراق می‌گویم هیچ جای دیگری تا این حد اهداف بشردوستانه و انسان محوری ندیده ام.

چه موانعی سر راه گسترش کمونیسم کارگری در بین جوانها می‌بینید؟

بیش از هر چیز خلاء تبلیغات در سطح وسیع. این باعث شده عدد زیادی هیچگونه آشنایی با حزب کمونیست کارگری نداشته باشند و ما حتم دارم اگر امکان تبلیغات بیشتر باشد عده کثیری از جوانان بخصوص قشر زحمت کش و متوسط جامعه بی تردید این حزب و اهدافش را پذیرا خواهند شد.

نشریه ما را آیا مرتب می‌خوانید؟

نظرتان چیست؟ دوست دارید با ما منطما کار کنید؟

بله، به نظر من تنها برای جوانان بلکه از نظر اطلاع رسانی برای همه جالب و مفید است. حتما. اگر از عهده همکاری با شما بر آم.

مشترک بهار عزیز.



## از صفحه "چرا انقلاب نمی شود؟"

اینهمه اعتراضات کارگری و دانشجویی، پس چرا انقلاب نمی شود؟. اینگونه سوالات گاه چاشنی یاس دارد: "کاش آمریکا اینجا را بمب بزند تا از شر این کثافت ها رها شویم." و نظیر این. این سوالات و روحیات انعکاس موقعیت سیاسی ویژه ای است که در آن هستیم. نوعی حالت آرامش قبل از طوفان. به این پایین تر خواهیم پرداخت. اما ابتدا مختصراً هم که شده به این سوال عمومی تر و تجربیدی تر باید پرداخت: "چرا انقلاب نمی شود؟".

انقلاب یک پدیده عینی اجتماعی است. به فراخوان هیچ نیروی انقلاب نمی شود. کسی هم نمی تواند بگوید کی دقیقاً انقلاب میشود. اما دوره های انقلابی، که میتواند به انقلاب منجر بشود، قابل تشخیص اند. دوره ای که بنا به تعریف کلاسیک مارکس مناسبات تولیدی (مثلاً سرمایه داری) مانع رشد نیروهای مولد (وسائل تولید علاوه آدمهایی که باید این وسائل را به کار برند) شده است. از این لحاظ مدنهایست که جامعه حاضر، جامعه سرمایه داری، مانع بهروری و ارتقاء بشریت شده و به معنای کلاسیک مارکسی وارد دوره انقلابی شده است. تا آنجا که به ایران برمیگردد، نه فقط ما دهها سال است که در دوره انقلابی قرار داریم، بلکه تمام دوره جمهوری اسلامی یک دوره بحران و بی ثباتی سیاسی هم بوده است. در پنج شش سال گذشته ما وارد مرحله ای شده ایم که توده وسیع مردم وارد صحنه سیاست شده اند و بحران همه جانبه ای که جمهوری اسلامی با آن روبروست تنها با تعیین تکلیف با کل رژیم حاکم میتواند پایان یابد. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و این میتواند در عین حال با یک انقلاب عظیم اجتماعی همزمان شود. (برای یافتن یک تصویر دقیق از موقعیت جمهوری اسلامی، جلال سیاسی و اجتماعی که در ایران جریان دارد، نیروهای اجتماعی و سیاسی دخیل در این جلال و سرانجام محتمل آن به قطعنامه مصوب کنگره سوم حزب را که منصور حکمت نوشته و در همین شماره چاپ میکنیم، رجوع کنید).

باید تاکید کرد که خصلت عینی انقلاب به این معنی نیست که احزاب و جنبش های سیاسی نقشی در قبال آن ایفا نمی کنند. برعکس، انقلاب را انسانها زنده و ذیشعور انجام میدهند. اگر بروز انقلاب امر عینی است، پیروزی و به سرانجام رسیدن آن دیگر تماماً به آمادگی ذهنی و عملی انسانها و به رهبری دست بستگی دارد.

بنا به آنچه گفته شد، پاسخ به این سوال که "چرا انقلاب نمی شود؟" در این سطح بحث اینست: انقلاب به حکم شرایط عینی و اوضاع سیاسی ایران بسیار محتمل است. برای پیروزی رساندن آن، برای به شر نشانیدن آن، برای تحقق خواسته های مردم باید فعلاً به صفوف کمونیسم کارگری، و به حزب و سازمان جوانان آن پیوست. اگر فی الحال پیوسته اید، تلاش و کوشش خود را طبق خطوط همان قطعنامه و رهنمودهای حزب صدبار بیشتر شدت بخشید. بویژه آنچه که در این میان تعیین کننده است، اینست که ما

اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با چپ بخود جذب میکند. این یک جنبش ارتجاعی است که اساساً به اعتبار دو دهه حاکمیت ارتجاع اسلامی بر ایران، فقر اقتصادی و انزوا اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، امکان یافته است مجدداً خود را طرح کند. این جنبش از نظر استراتژیکی متحد و پایگاه آمریکا و غرب محسوب میشود و در تلاقی های مهم سیاسی آتی حمایت مادی و تبلیغاتی غرب را خواهد داشت. از نظر اجتماعی افق این جریان تجدید سازمان یک سرمایه داری متکی به کار ازان و کارگرخاموش و استبداد پلیسی - نظامی است. در خوشبینانه ترین حالت، نمونه جوامعی نظیر مصر و ترکیه دورنمایی است که این جنبش برای مردم ایران ترسیم میکند.

سوم، کمونیسم کارگری: شکل گیری کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش فکری، سیاسی و حزبی در طول دو دهه اخیر، برای نخستین بار امکان واقعی حضور مستقل طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی سوسیالیست در برابر کل احزاب و جنبشهای بورژوازی فراهم کرده و سوسیالیسم را بعنوان یک آلترناتیو واقعی در برابر جامعه قرار داده است. حزب کمونیست کارگری نیروی پیشواز این جنبش است، اما دامنه این جنبش و نفوذ اجتماعی بالقوه آن بسیار گسترده تر است. کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است. جنبش کمونیسم کارگری نه فقط میتواند پرچمدار و سازمانده طبقه کارگر در تحولات جاری و آتی ایران باشد، بلکه در این موقعیت هست که اکثریت مردم را در یک انقلاب توده ای برای آزادی و برابری و رفاه در ایران رهبری کند.

۶- پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جلال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگنجد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو بنگرند. تحقق این واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. احقاق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

۸- حزب کمونیست کارگری در تحولات جاری ایران برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برای برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب خواهان سرنگونی فوری رژیم اسلامی است و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت برای حفظ حکومت اسلامی در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده قاطعانه مقابله میکند. حزب کمونیست کارگری در عین حال از هر گشایش سیاسی و فرهنگی که با فشار مردم به حکومت اسلامی تحمیل میشود فعالانه دفاع میکند و در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، و پلیسی تر کردن فضای جامعه قاطعانه می ایستد.

## قطعنامه در باره اوضاع سیاسی ایران مصوب (با اتفاق آراء) کنگره سوم حزب کمونیست کارگری نوشته منصور حکمت

رژیم نیست. استراتژی هردو جناح در متن واقعیات اقتصاد سیاسی ایران امروز و در برابر جنبش سیاسی عظیمی که علیه حکومت اسلامی شکل گرفته است محکوم به شکست است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که امروز در ایران در جریان است روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی است. این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود بیند. آنچه مسلم است جامعه ایران در چهارچوب جمهوری اسلامی به یک موقعیت غیرعمرانی و متعارف باز نمیکرد. جمهوری اسلامی رفتنی است.

۴- سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید برای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جلال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند. از نظر حزب کمونیست کارگری جنبش کنونی علیه رژیم اسلامی و سرنگونی حکومت موجود میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

۵- تقابل سه جنبش سیاسی اصلی آینده جامعه ایران را رقم میزند. اول، اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی. در سالهای اخیر جریان دوم خرداد پرچم وحدت این جنبش و بستر همکاری مستقیم آن با حکومت ارتجاعی ایران بوده است. کل طیف اپوزیسیون سازشکار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این جنبش که تا ضربه خامنه ای و جناح راست به اکثریت دوم خردادی مجلس اسلامی ششم صحنه سیاسی ایران را تحت الشعاع خود داشت، اکنون رو به تجزیه میرود و اهمیت و جایگاه تاکنونی خود را از دست میدهد. این یک قطب سیاسی عقب مانده و ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است و بقاء رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت و مقابله با جنبشهای سیاسی بیرون حکومت تلقی میکند.

عمر سیاسی مفید این جنبش حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندهایی کم تاثیرتری در حاشیه جلال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

دوم، ناسیونالیسم راست طرفدار غرب. سلطنت طلبان و مدافعان رژیم سابق ستون فقرات این جنبش اند، اما ابعاد واقعی این جنبش بسیار فراتر است و بخش وسیعی بورژوازی ایران و محافل و کانونهای ملی گرا و جمهوری خواه را در بر میگیرد. علاوه این جنبش با زوال جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از

۱- بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناگرمی دامنای تعمیم میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند.

اولاً، بقاء و حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرفنظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری ایران را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است.

ثانیاً، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوم آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیون آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخگوی این موج اعتراضی جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است.

ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران دیگر قابل دوم نیست. اسلامیت حکومت در مستقیماً در برابر سکولاریسم عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه ایران یک حاکمیت مذهبی و اسلامی را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است.

۲- بن بست حکومت اسلامی و خطر واقعی سرنگونی و انقلاب شکافهای بسیار عمیقی در درون هیأت حاکمه ایجاد نموده است. جناح راست حکومت هرنوع عقب نشینی در برابر اعتراضات مردم را سرآغاز اضمحلال حکومت میدانند و خواهان ادامه سیاست سرکوب و ارباب در جامعه است. جناح اصلاح طلب، جریان دوم خرداد، در تلاش برای حفظ رژیم، خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروهبندهای ملی و اسلامی است. اما نه سیاست تشدید اختناق و نه تعدیل حکومت اسلامی هیچیک پاسخ بحران



## نامه های شما

آمریکا به عراق دحلی به آزادی مردم عراق از دست صدام ندارد، اگر آمریکا کاری به ایران داشته باشد هم ربطی به آزادی مردم از دست رژیم اسلامی نخواهد داشت! اینها اساسا برای سرکوب قیام مردم علیه شاه رژیم اسلامی را ساختند و سرکار آوردند، برداشته شدن رژیم اسلامی از طرف اینها هم ربطی به خواستههای مردم و آزادیشان نخواهد داشت. آوقت هم انسان کار کن تحقیر خواهد شد و مجبور است بیکاری و فقر را تجربه کند.

بین رژیم اسلامی هراکه اعتراضات مردم را در مقابل خود دیده است، دم از این زده که این اعتراضات "فتنه خارجی" است و "توطئهای" در کار است. تاکنون البته نتوانست است که به این بهانه مردم را به خانه بفرستد، در صورت هرنوع دخالت آمریکا در ایران، این بهترین "بهانه" برای سرکوب شدید اعتراضات مردم خواهد بود و این درست در شرایطی است که خود این توهم و امید مردم را از مبارزه جنی و روزانه علیه رژیم باز میبازد، (گویا قرار است که آمریکا اینجا کسی یا چیزی را نجات دهد) و در واقع دست رژیم را برای سرکوب بیشتر باز میکند.

این توهم امروز ازطرف مجامع وابسته به غرب هم تبلیغ میشود. ما باید هوشیار باشیم و تمام این ظرایف را برای مردم توضیح دهیم. کار خاصی از سر رژیم نکتب اسلامی تنها کار خود مردم

## "چرا انقلاب نمی شود؟"

نشان داد که مردم نمی خواهند اجازه دهند که سرنوشت آنها بشیوه گیم های کامپیوتری تعیین شود. این فضای چپ و رادیکال در سطح جهانی بزودی در ایران منعکس خواهد شد و به دخالت بیشتر مردم در سرنوشت خود تحرك خواهد بخشید. این فضا و اعتراض جهانی موقعیت قلری نظامی آمریکا را تضعیف خواهد کرد و طبعاً متحین سیاسی این فعال مایشانی در ایران را، یعنی همان ناسیونالیست های پروغرب را تحت فشار قرار خواهد داد. بعلاوه تعریف و تمجید

است. به نظر من هم دخالت نظامی آمریکا در عراق به ضرر ما در ایران خواهد بود. هم مردم را با "امید" اینکه آمریکا کاری میکند به خانه میفرستد و منتظر نگاه میدارد. (که این کاری است که رژیم حتی با پروژه خاتمی و دوم خرداد هم نتوانست به سرانجام برساند!) و هم دست رژیم را درست در چنین شرایطی برای سرکوب بیشتر باز خواهد کرد. و هم اینکه از مردم امکان تصمیم و عمل مستقیم خود درباره آینده جامعه را میگیرد.

آرش عزیزم، میدانم که بار زندگی در جمهوری اسلامی بسیار سنگین است. سعی که که تنها نباشی، جمع، اتحاد و تشکل به آدم نیرو میدهد. سعی کن ارتباطات را با دوستان بیشتر کنی، سعی کن که با آنها بیشتر گپ بزنی و سعی کن که رابطه بیشتری با سازمان جوانان کمونیست داشته باشی. تو تنها نیستی. نیروی ما در اتحاد ماست و همین نیرو این نکت را روزی و روزی و خواهد انداخت. بازهم برایمان بنویس.

- دوست عزیز بهار، ممنون از نامه محبت آمیزت نسبت به نشریه جوانان کمونیست. این نشریه متعلق به تو همه جوانانی است که برای جامعهی آزاد و برابر تلاش میکنند. حتماً با این نشریه همکاری کن و باز هم برایمان بنویس.

- دوست عزیز هنگامه از تهران. نامدات جدا خوشحالمان کرد. از طرف همه دوستان، اعضا و دستاندرکاران سازمان جوانان کمونیست به تو و بقیه رفقا خوش آمد میگویی. نامه جلاگانهای برایت ارسال شد. بازهم برایمان بنویس.

های چرب آمریکا از جمهوری اسلامی (مثلا همین هفته گذشته سخنگو و معاون وزارت خارجه آمریکا دولت حاکم ایران را "لامکراتیک" خواندند!) بزودی به مردم نشان خواهد داد که ناجی فقط خود آنها هستند. همه اینها تاکید دارد که موج بعدی اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در راه است. با توجه به شواهد بالا میتوان انتظار داشت که موج بعدی رنگ و بوی کارگر و سوسیالیسم و حزب کمونیست کارگری را بیش از پیش به خود بگیرد. باید فعلا نه به استقبال این اوضاع رفت. شرایط برای تحقق قطعنامه منصور حکمت و به پیروزی رساندن یک انقلاب سوسیالیستی مهیاتر از گذشته است.

کلک: نادر بکتاش  
ماههم ختنه می شویم!

زنان امری ناشناس. شهوت به عنوان پدیده ای مردانه مطرح بود، با چیزی برای زنان "بنام"، بدلیل ناشناختن آموزش مناسب جنسی زنان به پاسیو بودن تشویق میشدند. این پاسیو بودن از ابتدای انتخاب زوج تا پاسیو بودن جنسی در زمینه امور جنسی و در رختخواب ادامه داشت. زن خوب و پاکدامن زنی بود که در رابطه جنسی پیشقدم نشود. و حتی آن را با اکراه بپذیرد، به آن تن دهد. در چنین شرایطی رابطه جنسی رابطه صرفا یک طرفه است. اما حقیقتا سهم مرد در این رابطه چیست؟ رابطه ای که برآستی برای مردم هم با تحقیر توأم است، آیا نه همان تخلیه صرف جنسی است؟

این پاسیو بودن جنسی زنانه که خود نشانه سرکوب جنسی زن و نا آگاهی او نسبت به جسم و جنسیت خود است، شرم و حیا لقب میگیرد و ارزشمند شمرده میشود و آقدر طبیعی شده که برای بسیاری نرم معمول محسوب میشود و زنی که رفتار غیر از این داشته باشد، غیر طبیعی و "خراب" و "فاحشه" شمرده میشود.

آه ... از چه سخن می گویم؟ با کمی دقت متوجه شدم که تمام افعال را گذشته استفاده کرده ام. تو پنداریکه مساله دیگر حل شده است. انگار آموزش صحیح جنسی برقرار است، زنان به جسم و جنس خود آگاه شده اند و مردان نیز، و یکدیگر را و حق یکدیگر را به تحقق جنسی خوشتن به رسمیت می شناسند. در حالی که حقیقت غیر از این است.

شما چه فکر میکنید؟؟

## طول موج

## رادیو انترناسیونال

برنامه های رادیو انترناسیونال، اوری طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهران پخش میشود.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0044 776 110 66 83

0049 171 15 47 661

0046 736 50 80 40

001 416 69 80 358

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

001- 416 434 15 45

fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

شیوا فرمند

سرور ملائکه

امید چوری

آزاد خدری

مهدی شهابی

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

کانادا:

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

## به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: